

ثانياً: في الإنجيل:

دوم: در انجيل:

۱- عيسى يطلب أن لا يصلب ولا يكون هو المصلوب.

۱- عيسى درخواست می کند که به صلیب کشیده نشود و شخص مصلوب نباشد.

«... 39 ثُمَّ تَقَدَّمَ قَلِيلًا وَخَرَّ عَلَى وَجْهِهِ، وَكَانَ يُصَلِّي قَائِلًا: "يَا أَبَتَاهُ، إِنْ أَمَكْنَ فَلْتَعْبُرْ عَنِّي هَذِهِ الْكَأْسُ ...» متى - الأصحاح 26.

«... ۳۹ سپس قدری پیش رفته، به روی زمین در افتاده، دعا می کرد، در حالی که می گفت: ای پدر، اگر ممکن باشد این پیاله را از من بگذران...» (۱)

«... 35 ثُمَّ تَقَدَّمَ قَلِيلًا وَخَرَّ عَلَى الْأَرْضِ، وَكَانَ يُصَلِّي لِكَيْ تَعْبُرَ عَنْهُ السَّاعَةُ إِنْ أَمَكْنَ. 36 وَقَالَ: "يَا أَبَا الْأَبُ، كُلُّ شَيْءٍ مُسْتَطَاعٌ لَكَ، فَأَجِزْ عَنِّي هَذِهِ الْكَأْسُ ..» مرقس - الأصحاح 14.

«... ۳۵ و قدری پیش تر رفته، به روی زمین افتاد و دعا کرد تا اگر ممکن باشد آن ساعت از او بگذرد ۳۶ پس گفت: ای پدر پدران، هر چیزی برای تو امکان پذیر است. این پیاله را از من بگذران...» (۲)

۱- متى: ۲۶.

۲- مرقس: ۱۴.

«... 41 وَأَنْفَصَلَ عَنْهُمْ نَحْوَ رَمِيَّةِ حَجَرٍ وَجَثَا عَلَى رُكْبَتَيْهِ
وَصَلَّى 42 قَائِلاً: يَا أَبَتَاهُ، إِنَّ شِئْتَ أَنْ تُجِيزَ عَنِّي هَذِهِ
الْكَأْسَ ...» لوقا - الأصحاح 22.

«... 41 و از ایشان به مسافت پرتاب سنگی دور شده، به زانو درآمد و دعا
کرده 42 گفت: ای پدر، اگر تو بخواهی این پیاله را از من بگردان...» (3)

فكيف يرد الله طلب عيسى ودعاءه وتوسله أن لا يصلب ويدفع
عنه الصلب؟ وهل أن عيسى لا يستحق أن يجاب دعاؤه، أم لا
يوجد عند الله بديل عن عيسى ع يصلب مثلاً؟!

و چگونه خداوند درخواست و دعا و توسل عیسی را برای صلیب کشیده
نشدن و بازداشته شدن صلیب از او، رد می‌کند؟! آیا عیسی این شایستگی را
ندارد که دعایش اجابت شود یا خداوند، جایگزینی به جای عیسی ع ندارد که
به عنوان مثال به صلیب کشیده شود؟!!

إضافة إلى أن المسيحيين يعتقدون أن عيسى ع هو اللاهوت
المطلق نفسه، وبالتالي فهم يحتاجون تعليل طلب عيسى ع المتقدم
تعليلاً لا يوقعهم في تناقض ينفى لاهوته المطلق كما يعتقدون هم
فيه، وهذا بعيد المنال.

به علاوه، اینکه مسیحیان اعتقاد دارند که عیسی ع خود، لاهوت مطلق
است؛ و در نتیجه آنها باید برای درخواست پیشین عیسی ع دلیلی بیاورند؛
دلیلی که آنها را وارد تناقضی نکند که لاهوت مطلق بودن او را نفی کند - آن
طور که در مورد ایشان، به این مسأله اعتقاد دارند - و این خواسته‌ای دست
نیافتنی است!

فهم لو قالوا: إنه طلب أن يُدفع عنه الصلب لجهله بحتمية
الحدث، فقد نقضوا لاهوته المطلق؛ لأنهم وصفوه بالجهل وهو
ظلمة، فتبين أنه نور وظلمة وليس نوراً لا ظلمة فيه، وبالتالي

انتقض لاهوته المطلق. وإن قالوا: إنه طلب أن يدفع عنه الصلب مع علمه بحتمية الحدث، فقد اتهموه بالسفه، وإلا فما معنى طلبه هذا مع علمه بحتمية الحدث؟! وقولهم هذا ينفي لاهوته المطلق بل وينفي عنه ما دون ذلك وهو حكمة الأنبياء ﷺ.

اگر بگویند: او به این جهت درخواست بازداشته شدن از به صلیب کشیدن را از خود نموده که به حتمی بودن اتفاق آگاهی کامل ندارد، در این صورت لاهوت مطلق بودن ایشان ع را از بین برده‌اند؛ چرا که آنها، ایشان را به جهل و نادانی توصیف کرده‌اند و نادانی، ظلمت و تاریکی می‌باشد؛ در نتیجه روشن می‌شود که او نور همراه با ظلمت است و نوری که در آن هیچ ظلمتی نیست، نمی‌باشد. بنابراین لاهوت مطلق بودن ایشان ع را از بین برده‌اند. اگر بگویند: او ع با آگاهی نسبت به حتمی بودن اتفاق، درخواست بازداشته شدن از مصلوب شدن خودش را نموده است، ایشان را به بی‌خردی متهم می‌نمایند؛ چرا که معنای این درخواست او ع با علم به حتمی بودن اتفاق، چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟! این سخن‌شان نیز لاهوت مطلق بودن ایشان ع را نفی می‌کند و حتی پایین‌تر از آن را نیز نفی می‌کند؛ یعنی همان حکمت پیامبران ع را.

۲- المصلوب لا يقبل أن يقول إنه ملك بني إسرائيل.

۲- مصلوب نمی‌پذیرد بگوید که او پادشاه بنی اسرائیل است.

فلماذا لا يقبل لو كان هو نفسه عيسى ع الذي جاء يبلغ الناس بأنه ملك بني إسرائيل؟! أليس هذا يدل بوضوح على أن الذي أُلقي عليه القبض وُصِّب شخص آخر غير عيسى ع ملك بني إسرائيل، لهذا هو لم يقبل أن يقول إنه ملك بني إسرائيل.

حال اگر او عیسانی ع است که برای تبلیغ مردم به اینکه او پادشاه بنی اسرائیل است، آمده باشد، چرا چنین چیزی را نمی‌پذیرد؟! آیا این موضوع به روشنی دلالت ندارد بر اینکه کسی که دستگیر و به صلیب کشیده شد، شخص دیگری غیر از عیسی ع پادشاه بنی اسرائیل می‌باشد؟ و به همین

دلیل او نپذیرفت بگوید که پادشاه بنی اسرائیل است.

«... فوقف يسوع أمام الوالي فسأله الوالي قائلاً أأنت ملك اليهود فقال له يسوع: أنت تقول...» إنجيل متى - الأصحاح 27.

«۱۱ عیسی در حضور والی ایستاده بود. پس والی از او پرسیده، گفت: آیا تو پادشاه یهود هستی؟ عیسی به او گفت: تو می‌گویی!...»^(۴)

«.. فسأله بيلاطس أنت ملك اليهود فأجاب وقال له أنت تقول..» إنجيل مرقس - الأصحاح 15.

«... ۲ پیلاطس از او پرسید: تو پادشاه یهود هستی؟ او پاسخ داد و به او گفت: تو می‌گویی...»^(۵)

«.. 33 ثم دخل بيلاطس أيضاً إلى دار الولاية ودعا يسوع، وقال له أنت ملك اليهود. 34 أجابه يسوع أمن ذاتك تقول هذا أم آخرون قالوا لك عني. 35 أجابه بيلاطس ألعلي أنا يهودي. أمتك ورؤساء الكهنة أسلموك إلي. ماذا فعلت. 36 أجاب يسوع مملكتي ليست من هذا العالم. لو كانت مملكتي من هذا العالم لكان خدامي يجاهدون لكي لا أسلم إلى اليهود. ولكن الآن ليست مملكتي من هنا. 37 فقال له بيلاطس أفأنت إذا ملك. أجاب يسوع أنت تقول إنني ملك. لهذا قد ولدت أنا، ولهذا قد أتيت إلى العالم لأشهد للحق..» إنجيل يوحنا - الأصحاح 18.

«... ۳۳ پس پیلاطس دوباره داخل دیوان خانه شد و عیسی را طلبیده، به او گفت: آیا تو پادشاه یهود هستی؟ ۳۴ عیسی به او جواب داد: آیا تو این را از خود می‌گویی یا دیگران درباره‌ی من به تو گفتند؟ ۳۵ پیلاطس جواب داد: مگر من یهودی هستم؟ امت تو و رؤسای کهنه تو را به من تسلیم کردند.

۴- انجيل متى: ۲۷.

۵- انجيل مرقس: ۱۵.

چه کرده‌ای؟ ۳۶ پاسخ داد پادشاهی من متعلق به این دنیا نیست. اگر پادشاهی من از این جهان می‌بود، خادمان من می‌جنگیدند تا به یهود تسلیم نشوم. ولی اکنون پادشاهی من از این جهان نیست. ۳۷ پیلطس به او گفت: مگر تو پادشاه هستی؟ عیسی جواب داد: تو می‌گویی که پادشاه هستم. برای این من متولد شدم و به این جهت به این جهان آمدم تا به راستی شهادت دهم...» (۶)

۳- مخاطبة المصلوب لمريم أم عيسى ع. يدل على أنه ليس ابنها، وإلا فهل يليق بابن أن يخاطب أمه (يا امرأة). نعم، يصح أن يخاطبها المصلوب بهذه الكلمة إذا لم يكن هو نفسه عيسى ع، ومخاطبته لها بهذه الكلمة ليوضح أنها ليست أمه وأنه ليس عيسى ع (7).

۳- چگونگی مخاطب قرار گرفتن مریم مادر عیسی ع توسط مصلوب دلالت می‌کند بر اینکه ایشان، فرزند او نمی‌باشد در غیر این صورت، آیا شایسته است فرزندی مادرش را «ای زن» خطاب کند؟ آری، اگر این به صلیب کشیده شده، عیسی ع نباشد، خطاب قرار دادن او با این عبارت توسط او صحیح خواهد بود. خطاب قرار دادن او با این عبارت، روشن می‌کند که مریم، مادرش نیست و او نیز عیسی ع نمی‌باشد: (۸)

«25 وکانت واقفات عند صلیب یسوع أمه وأخت أمه مریم زوجة کلوبا ومریم المجدلیة. 26 فلما رأى یسوع أمه والتلمیذ الذي

۶- انجیل یوحنا: ۱۸.

7. بالرغم من وضوح هذا، لكن علماء الكنيسة مرة أخرى يلجأون الى مسألة الاقانيم ليبرروا مخاطبة عيسى لأمه بيا امرأة، يقول القمص تادرس يعقوب في تفسيره: (لم يقل "يا أمه" بل "يا امرأة"، لأن ما يمارسه بخصوص تحويل الماء خمراً لا يصدر بكونه إنساناً أخذ جسداً منها، وإنما بعمل لاهوته)، وكأن هذه العقيدة الباطلة شماعة يعلقون عليها أوهامهم متى ما شاءوا !!

۸- علی رغم روشن بودن این موضوع، ولی علمای کلیسا بار دیگر به مسأله‌ی اقانیم پناه می‌برند تا اینکه عیسی مادرش را با عبارت «ای زن» خطاب قرار می‌دهد را توجیه کنند. کشیش تادرس یعقوب در تفسیرش می‌گوید: «او نمی‌گوید: «ای مادر» بلکه می‌گوید: «ای زن» چرا که آنچه او در دگرگون کردن آب به شراب به انجام می‌رساند، به این دلیل نیست که او انسانی است که جسدی دارد، بلکه این، تنها با عمل لاهوتی او به انجام رسیده است» و گویی این عقیده‌ی باطل، دست‌آویزی است که هر وقت بخواهند خیالات و اوهام‌شان را به آن می‌آویزند!

كان يحبه واقفاً قال لأمه يا امرأة هو ذا ابنك. 27 ثم قال للتلميذ هو ذا أمك» إنجيل يوحنا - الأصحاح 19.

«و پای صلیب عیسی، مادر او و خواهر مادرش، مریم همسر کلوپا و مریم مجدلیه ایستاده بودند ۲۶ چون عیسی مادر خود را با آن شاگردی که دوست می‌داشت ایستاده دید، به مادر خود گفت: ای زن، اینک این پسر تو است. ۲۷ و به آن شاگرد گفت: اینک این مادر تو است.» (۹)

۴- بطرس يعرض أن يضع نفسه مكان عيسى للصلب وعيسى يُبين له عجزه عن هذا الأمر.

۴- پطرس خودش را به عنوان کسی که به جای عیسی به صلیب کشیده می‌شود، عرضه می‌دارد؛ ولی عیسی ناتوانی او را از این مهم، بیان می‌کند:

«وقال الرب لسمعان سمعان هو ذا الشيطان طلبكم لكي يغربلكم كالحنطة. 32 ولكني طلبت من أجلك لكيلا يفنى إيمانك. وأنت متى رجعت ثبت إخوتك. 33 فقال له يا رب إني مستعد أن أمضي معك حتى إلى السجن وإلى الموت. 34 فقال أقول لك يا بطرس لا يصيح الديك اليوم قبل أن تنكر ثلاث مرات أنك تعرفني» إنجيل لوقا - الأصحاح 22.

«پس پروردگار به شمعون گفت: ای شمعون، اینک شیطان خواست شما را چون گندم غربال کند ۳۲ لیکن من برای تو دعا کردم تا ایمانت تلف نشود و هنگامی که تو بازگشت کنی برادران خود را استوار نما. ۳۳ به وی گفت: ای پروردگار، حاضرم با تو بروم حتی به زندان و به سوی مرگ. ۳۳ گفت: تو را می‌گویم ای پطرس، امروز خروس بانگ زده باشد که سه مرتبه انکار خواهی کرد که مرا نمی‌شناسی.» (۱۰)

۹- انجيل يوحنا: ۱۹.

۱۰- انجيل لوقا: ۲۲.

«قال له سمعان بطرس يا سيد إلى أين تذهب. أجابه يسوع
حيث أذهب لا تقدر الآن أن تتبعني ولكنك ستتبعني أخيرا. 37
قال له بطرس يا سيد لماذا لا أقدر أن أتبعك الآن. إني أضع
نفسي عنك. 38 أجابه يسوع أضع نفسك عني. الحق الحق
أقول لك لا يصيح الديك حتى تنكرني ثلاث مرات» إنجيل يوحنا -
الأصحاح 13.

«شمعون بطرس به وی گفت: ای آقا، کجا می‌روی؟ عیسی پاسخ داد:
جایی که می‌روم، اکنون نمی‌توانی از پی من بیایی؛ ولی در آخر از پی من
خواهی آمد. ۳۳ بطرس به او گفت: ای آقا، برای چه اکنون نتوانم از پی تو
بیایم؟ جان خود را در راه تو خواهم نهاد. ۳۸ عیسی به او جواب داد: آیا جان
خود را در راه من می‌نهی؟ به یقین به تو می‌گویم تا سه مرتبه مرا انکار
نکرده باشی، خروس بانگ نخواهد زد».(۱۱)

في النصين المتقدمين من الإنجيل نفهم أن عيسى عرض
بصورة أو بأخرى على الحواريين أن يفدوه، أو على الأقل نجد في
النصوص أن عيسى ع يُبَيِّن لبطرس وهو أفضل الحواريين أنه غير
قادر أن يفدي عيسى ع: «قال له بطرس يا سيد لماذا لا أقدر أن
أتبعك الآن. إني أضع نفسي عنك. 38 أجابه يسوع أضع نفسك
عني؟ الحق الحق أقول لك لا يصيح الديك حتى تنكرني ثلاث
مرات».

در دو متن پیشین انجیل، چنین متوجه می‌شویم که به صورتی یا به شکل
دیگری به حواریون عرض می‌کند که به جای او فدا شوند یا حداقل در متون
می‌بینیم که عیسی ع به بطرس - که او برترین حواری است - بیان می‌دارد
که او توانایی فدا شدن به جای عیسی ع را ندارد:

«بطرس به او گفت: ای آقا، برای چه اکنون نتوانم از پی تو بیایم؟ جان
خود را در راه تو خواهم نهاد. ۳۸ عیسی به او جواب داد: آیا جان خود را در
راه من می‌نهی؟ به یقین به تو می‌گویم تا سه مرتبه مرا انکار کرده باشی،

خروس بانگ نخواهد زد».

إذن، هذا النص من إنجيل يوحنا يُبين بوضوح أن عيسى ع طلب من بطرس أن يفديه، أو أنه ناقش عرض بطرس «**أتضع نفسك عني؟**»، ونجد أن عيسى أجاب على هذا السؤال بأن بطرس غير قادر على هذا الأمر: «**الحق أقول لك لا يصيح الديك حتى تنكرني ثلاث مرات**». وهذه المناقشة لم تأت من فراغ، فما الذي جعل بطرس يعرض هذا العرض لو لم يكن عيسى ع قد طرح هذا الأمر لهم؟!

بنابراین این متن از انجیل یوحنا به روشنی بیان می‌کند که عیسی ع از پطرس درخواست می‌کند که به جای او فدا شود یا به پطرس چنین پاسخ می‌گوید «آیا جان خود را در راه من می‌نهی؟» و می‌بینیم که عیسی این پرسش را اینگونه پاسخ می‌دهد که پطرس توانایی چنین چیزی را ندارد: «به یقین به تو می‌گویم تا سه مرتبه مرا انکار نکرده باشی، خروس بانگ نخواهد زد». این گفت‌وگو بی‌هیچ مقدمه‌ای نیامده است؛ اگر عیسی ع چنین موضوع مهمی را برای ایشان مطرح نمی‌کرد، چه چیزی باعث شد تا پطرس چنین درخواستی را بیان کند؟!

وأيضاً: كلام بطرس «**إني أضع نفسي عنك**»، كيف يمكن فهمه بغير مسألة التشبيه، وإلا فكيف يضع بطرس نفسه مكان عيسى ع ليصلب إذا لم يُشبهه به قبل هذا لكي يأخذه اليهود ويصلبوه على أنه عيسى ع نفسه، فالقوم يطلبون عيسى ع وليس بطرس، ولن يأخذوا بطرس ما لم يُشبه به.

همچنین این سخن پطرس «جان خود را در راه تو خواهم نهاد» را به چه صورتی غیر از مسئله‌ی شبیه شدن می‌توان درک کرد؛ در غیر این صورت چگونه پطرس خودش را به جای عیسی ع برای به صلیب کشیده شدن قرار می‌دهد، اگر پیش از آن به او شبیه نشده باشد؛ تا یهود او را بگیرند و به عنوان اینکه او عیسی ع است، به صلیب کشیده شود. اینها دنبال عیسی ع بودند، نه پطرس و تا زمانی که پطرس شبیه او نشده باشد، او را نمی‌گیرند.

وأيضاً: رد عيسى ع لم يكن أنه لا يصح أن تفديني يا بطرس، أو لأبد أن أُصلب أنا، أو أي جواب آخر غير أنك يا بطرس غير قادر على هذا الأمر، وهذا ينقلنا إلى التساؤل: إذا كان بطرس والحواريون عاجزين عن أن يضعوا أنفسهم مكان عيسى ع ويتحملوا الصلب، فهل لا يوجد عند الله أحد يؤدي هذه المهمة بعد أن طلب عيسى ع بوضوح أن يُدفع عنه الصلب كما تقدم؟!

همچنین پاسخ عیسی ع اینگونه نبود که ای پطرس، صحیح نیست تو به جای من فدا شوی، یا ناگزیر من باید به صلیب کشیده شوم، یا هر پاسخ دیگری؛ جز اینکه تو توانایی این مهم را نداری. این مسأله ما را به این پرسش می‌کشانند که اگر پطرس و حواریون این توانایی را ندارند تا جان خود را به خاطر عیسی ع بدهند و به صلیب کشیده شدن را تحمل کنند، آیا خداوند هیچ کس دیگری ندارد که این وظیفه‌ی مهم را انجام دهد آن هم پس از اینکه همان‌طور که گفته شد، عیسی ع به روشنی درخواست می‌کند که به صلیب کشیدن از او برداشته شود؟!

٥- « ١١ فَقَالَ يَسُوعُ لِبَطْرُسَ: "اجْعَلْ سَيْفَكَ فِي الْغِمْدِ! الْكَأْسُ الَّتِي أَعْطَانِي الآبُ أَلَا أَشْرَبُهَا؟"» يوحنا - الأصحاح 18.

٥- « ١١ عیسی به پطرس گفت: شمشیرت را غلاف کن. آیا جامی را که پدر به من داده است، ننوشم؟! ». (١٢)

هذا الكلام صدر من المصلوب أثناء القبض عليه، وهو كلام شخص قابل بمسألة الصلب ولا إشكال عنده معها، بل ويعتبر أن التردد في شرب كأس الصلب أمرٌ غير مقبول وغير وارد ولا مطروح بالنسبة له، ولا يمكن أن يفكر فيه «الكأس التي أعطاني الآب ألا أشربها؟!»، لا يسأل فقط بل يتساءل بتعجب «ألا أشربها»، فكيف يمكن تصوّر أن يصدر هذا الكلام من نفس

الشخص الذي كان قبل إلقاء القبض على المصلوب يقول: «يا أبا
الآب كل شيء مستطاع لك فاجز عني هذه الكأس» مرقس -
الأصاح 14 ؟!

این سخن از مصلوب در هنگام دستگیر شدنش بیان شده و سخن کسی
است که به صلیب کشیده شدن را پذیرفته است و با آن مشکلی ندارد. حتی
تردید در نوشیدن جام صلیب را در مورد خودش غیرقابل قبول، بیان و مطرح
شدن می‌داند و اینکه امکان ندارد حتی در آن تأملی کند. «آیا جامی را که پدر
به من داده است، ننوشم؟!»; جمله فقط پرسشی نیست، بلکه با تعجب
می‌پرسد: «ننوشم?!». چطور می‌توان تصور کرد که این سخن همان کسی
باشد که پیش از دستگیر شدن برای به صلیب کشیده شدن، می‌گوید: «ای
پدر پدران، هر چیزی برای تو امکان‌پذیر است. این پیاله را از من بگذران».
(۱۳)

إذن، فهما شخصان مختلفان تماماً، فالشخص الذي أُلقي
عليه القبض وُصِّب شخص آخر غير عيسى ع الذي طلب أن لا
يُصَلَّب.

بنابراین، این دو به طور کامل از یکدیگر متمایزند؛ آن کس که دستگیر و
به صلیب کشیده شد، شخص دیگری غیر از عیسی ع است که درخواست به
صلیب کشیده نشدن می‌نماید.

٦- ما موجود في إنجيل يهوذا.

٦- آنچه در انجیل یهوذا وجود دارد؛

وهو إنجيل أثري عُثر عليه ويعود تاريخه إلى ما قبل الإسلام،
فلا يمكن القدح به على أنه ملفق من مسلمين، وبالتالي فهو
إنجيل مسيحي وكان متداولاً بين المسيحيين الأوائل، واستنساخ
وتداول إنجيل يهوذا بين بعض المسيحيين الأوائل دال على
اختلافهم في هوية المصلوب في تلك الفترة.

انجيلی که تاریخی است و کشف شده و تاریخش به پیش از اسلام باز می‌گردد، و امکان چنین طعنه زدنی به آن وجود ندارد که از سوی مسلمانان جعل شده باشد، و در نتیجه انجيلی مسیحی است و بین مسیحیان از ابتدا رایج بوده است و نسخه‌برداری و دست به دست شدن انجيل يهودا بين مسیحیان اولیه، دلیلی بر اختلاف ایشان در شخصیت مصلوب در آن زمان می‌باشد.

وهذا نص من انجيل يهوذا يُبين أنّ المصلوب ليس عيسى ع، بل ويحدد اسم المصلوب وصفاته وصفة ذريته.

این متنی از انجيل يهودا است که بیان می‌کند شخص به صلیب کشیده شده، عیسی ع نیست و حتی نام مصلوب، ویژگی‌ها و ویژگی فرزندانش را نیز مشخص می‌کند.

انجيل يهوذا - المشهد الثالث:

«وقال يهوذا: يا سيد، أيمكن أن يكون نسلي تحت سيطرة الحكام؟ أجاب يسوع وقال له: "تعال، أنه أنا [... سطرين مفقودين..] لكنك ستحزن كثيراً عندما تري الملكوت وكل أجياله".

وعندما سمع ذلك قال له يهوذا: "ما الخير الذي تسلمته أنا؟ لأنك أنت الذي أبعدتني عن ذلك الجيل.

أجاب يسوع وقال: "ستكون أنت الثالث عشر وستكون ملعوناً من الأجيال الأخرى - ولكنك ستأتي لتسود عليهم. وفي الأيام الأخيرة سيلعنون صعودك [47] إلى الجيل المقدس»

«But you will exceed all of them. For you will sacrifice the man that clothes me».

«ولكنك ستفوقهم جميعاً لأنك ستضحى بالإنسان الذي يرتديني.

ويرتفع قرنك حالاً.

ويضرم عقابك الإلهي.

ويظهر نجمك ساطعاً.

وقلبك [...] [57]».

در انجیل یهودا، مشهد سوم آمده است: «و یهودا گفت: ای آقا، آیا ممکن است نسل من تحت سلطه‌ی حکام قرار گیرد؟ عیسی ع پاسخ داد و به او گفت: بیا این من هستم دو خط مفقود شده است.... لیکن تو هنگامی که ملکوت و نسلش را ببینی، بسیار غم‌انگیز خواهی شد.»
«و هنگامی که آن را شنید یهودا به او گفت: من چه خیری را حاصل کردم؟ چرا که تو کسی هستی که مرا از آن نسل دور ساختی.
عیسی پاسخ داد و گفت: تو سیزدهمین خواهی بود و در آینده از سوی نسل‌های دیگر مورد لعنت واقع خواهی شد - لیکن تو برای پادشاهی بر آنان بازخواهی گشت و در روزهای پایانی، صعود تو را لعنت خواهند کرد ۴۷ تا نسل مقدس».

«But you will exceed all of them. For you will sacrifice the man that clothes me»

«اما تو برتر از همه‌ی آنها خواهی بود؛ زیرا تو آن انسانی را که مرا پوشیده است، قربانی خواهی کرد،
و حال و وضعیت قرن تو بلند،
و مجازات الهی تو شعله‌ور،
و ستاره‌ات درخشان و ظاهر خواهد شد
و قلب تو.... ۵۷».

وإضافة إلى أن النص يُبين بوضوح أن المصلوب ليس عيسى
«ولكنك ستفوقهم جميعاً لأنك ستضحى بالإنسان الذي يرتدني»،
فإنه يطرح اسم المصلوب على أنه يهوذا. وأكد أن يهوذا في هذا
النص ليس يهوذا الاسخريوطي الخائن الذي ذهب لعلماء اليهود
وجاء بالشرطة الدينية للقبض على المصلوب، فيهوذا الذي يُصلب
بدل عيسى كما في نص إنجيل يهوذا هو إنسان صالح ويضحى
بنفسه لأجل عيسى، بل ويصفه عيسى في إنجيل يهوذا بصفة لا
يمكن أن يتصف بها يهوذا الاسخريوطي وهي أنه سيكون الثالث
عشر؛ حيث أن الحواريين - كما اتفق الجميع - اثنا عشر فقط،

وبعد خيانة يهوذا الاسخريوطي جاءوا ببديل عنه ليكمل العدد اثنا عشر، ولم يكونوا أبداً ثلاثة عشر، وهذا يجعل يهوذا المخاطب هنا غير يهوذا الاسخريوطي حتماً. هذا إضافة إلى عبارات جاءت في إنجيل يهوذا هي:

به علاوه این متن به روشنی بیان می‌کند که به صلیب کشیده شده، عیسی نیست: «اما تو برتر از همه‌ی آنها خواهی بود؛ زیرا تو آن انسانی را که مرا پوشیده است، قربانی خواهی کرد». پس نام به صلیب کشیده شده را یهوذا معرفی می‌کند و اکیداً یهوذا در این متن، همان یهودای اسخریوطی خائنی نیست که به سوی علمای یهود رفت و مأموران دینی را برای دستگیری به صلیب کشیده شده آورد. بنابراین همان‌طور که در متن انجیل یهوذا موجود است، یهودایی که به جای عیسی به صلیب کشیده می‌شود، انسانی شایسته است که خودش را به خاطر عیسی قربانی می‌کند؛ حتی عیسی او را در انجیل یهوذا با صفتی توصیف می‌نماید که امکان ندارد یهودای اسخریوطی به چنین صفتی آراسته بوده باشد؛ اینکه او سیزدهمین است. آن‌طور که همگی اتفاق نظر دارند، حواریون فقط دوازده نفر هستند و پس از خیانت یهودای اسخریوطی کسانی به جای او آمدند تا عدد دوازده نفر کامل شود و به هیچ وجه سیزده نفر نبودند. همین مورد، به طور قطع در اینجا یهودای مخاطب را غیر از یهودای اسخریوطی قرار می‌دهد. این علاوه بر عبارتهایی است که در انجیل یهوذا آمده که عبارت‌اند از:

«ولكنك ستأتي لتسود عليهم»: وهذه العبارة تجعل الأمر منحصراً بالمنقذ الذي يأتي في آخر الزمان ليملاً الأرض بالعدل، فيهوذا الاسخريوطي لا يأتي في آخر الزمان؛ لأنه باختصار شخص طالح ولد ومات في ذلك الزمان.

«لیکن تو برای پادشاهی بر آنان بازخواهی گشت». این عبارت، موضوع را به منجی که در آخر الزمان می‌آید، منحصر می‌کند؛ همان منجی که می‌آید تا زمین را پر از عدل و داد کند. اما یهودای اسخریوطی در آخر الزمان نمی‌آید؛ چرا که به طور خلاصه، شخصیتی نابکار است که در آن زمان به دنیا آمده و از دنیا نیز رفته است.

«وقال يهوذا: يا سيد، أيمكن أن يكون نسلي تحت سيطرة الحكام؟ أجاب يسوع وقال له: "تعال، أنه أنا [... سطرين مفقودين..] لكنك ستحزن كثيراً عندما تري الملكوت وكل أجياله".

وعندما سمع ذلك قال له يهوذا: "ما الخير الذي تسلمته أنا ؟ لأنك أنت الذي أبعدتني عن ذلك الجيل".

«و يهوذا گفت: ای آقا، آیا ممکن است نسل من تحت سلطه‌ی حکام قرار گیرد؟ عیسی ع پاسخ داد و به او گفت: بیا این من هستم دو خط مفقود شده است... لیکن تو هنگامی که ملکوت و نسلش را بینی، بسیار غم‌انگیز خواهی شد» «و هنگامی که آن را شنید یهوذا به او گفت: من چه خیری را حاصل کردم؟ چرا که تو کسی هستی که مرا از آن نسل دور ساختی».

«ایمکن أن يكون نسلي تحت سيطرة الحكام»: الحكام يحكمون الجميع، فهل هناك معنى وحكمة في أن يسأل شخص عن نسله إذا كانوا تحت سيطرة الحكام؟! إن هذا الكلام لن يكون له معنى إلا في حالة واحدة، وهي أن هؤلاء النسل الذين يسأل عنهم هم خلفاء الله في أرضه، وبالتالي فهو يسأل إن كانوا سيكونون تحت سيطرة الحكام الطواغيت، أم سيمكّنهم الناس من الحكم. إذن، (يهوذا) ليس المتوقع أن يسود هو فقط، بل نسله أيضاً خلفاء الله في أرضه، وهو يسأل عن خلفاء الله في أرضه من نسله، هل يمكن رغم تنصيبهم الإلهي أن يكونوا تحت سلطة وسيطرة الحكام الطواغيت كما كان حال كثير من خلفاء الله الذين سبقوهم كإبراهيم ع وموسى وعيسى نفسه، أم أن الناس ستمكّنهم من إجراء حاكمية الله على الأرض ؟

«آیا ممکن است نسل من تحت سلطه‌ی حکام قرار گیرد؟»: حکام به همه حکمرانی می‌کنند؛ آیا معنا و حکمتی دارد اینکه کسی از نسل خودش بپرسد، آیا آنها تحت سلطه‌ی حکام می‌باشند؟! این سخنی بی‌معنا خواهد بود مگر در یک صورت؛ اینکه این نسلی که در مورد ایشان می‌پرسد، همان خلفا و جانشینان خداوند در زمین باشند و در نتیجه در مورد ایشان می‌پرسد که آیا تحت سیطره و سلطه‌ی حکام طاغوت خواهند بود یا مردم حکومت را برای آنها ممکن خواهند ساخت؟ بنابراین چنین توقعی نمی‌رود که فقط یهوذا پادشاهی کند، بلکه نسل او نیز خلفا و جانشینان خداوند در زمینش می‌باشند. او در مورد خلفای خداوند در زمینش که از نسل خودش می‌باشند، می‌پرسد که آیا ممکن است بر خلاف منصوب شدن الهی ایشان، تحت سلطه و سیطره‌ی حکام طاغوت قرار گیرند؟

همان‌طور که وضعیت بسیاری از خلفای الهی که پیش از ایشان بودند، چنین بود؛ مانند ابراهیم ع، موسی و خود عیسی؛ یا مردم در راستای اجرای حاکمیت خداوند بر زمین، به ایشان تمکین خواهند داد.

وفي هذا السؤال وجواب عيسى عليه عدة أمور تحتّم أن يهوذا هنا ليس هو الاسخريوطي، فيهوذا الاسخريوطي أصلاً ليس من خلفاء الله في أرضه، فلا معنى للسؤال لو كان السائل يهوذا الاسخريوطي. ويهوذا الاسخريوطي ليس له نسل بل مات بعد حادثة الصلب، فلا معنى للسؤال لو كان هو.

در این پرسش و پاسخ عیسی به آن، مواردی وجود دارد که بیان می‌کند به طور حتم یهوذا در اینجا همان یهودای اسخریوطی نیست. یهودای اسخریوطی به هیچ وجه از خلفا و جانشینان خداوند در زمینش نیست، پس این پرسش که آیا این شخص، یهودای اسخریوطی است، معنایی ندارد. یهودای اسخریوطی نسلی نداشت؛ بلکه پس از حادثه‌ی به صلیب کشیدن از دنیا رفت؛ بنابراین اگر او همان شخص باشد، این پاسخ برای پرسش، معنایی نخواهد داشت:

«لكنك ستحزن كثيراً عندما تري الملكوت وكل أجياله»: كيف ليهوذا الاسخريوطي الطالح أن يرى الملكوت؟ نعم، يمكن أن يرى الملكوت لو كان يهوذا هنا شخصاً إلهياً جاء من الملكوت وهو عائد إلى الملكوت بعد انتهاء مهمته في الصلب بدلاً عن عيسى ع، فهو إذن ليس يهوذا الاسخريوطي.

«لیکن تو هنگامی که ملکوت و نسلش را ببینی، بسیار غم‌انگیز خواهی شد». چگونه یهودای اسخریوطی بدکاره می‌تواند ملکوت را ببیند؟! آری، می‌تواند ملکوت را ببیند اگر یهوذا در اینجا شخصی الهی باشد که از ملکوت آمده باشد و پس از انجام وظیفه‌ی خود مبنی بر به صلیب کشیدن به جای عیسی ع، به ملکوت بازگردد؛ بنابراین، این شخص، یهودای اسخریوطی نیست.

«وعندما سمع ذلك قال له يهوذا: "ما الخير الذي تسلمته أنا ؟
لأنك أنت الذي أبعدتني عن ذلك الجيل»: أي جيل أبعد عنه يهوذا
الاسخريوطي؟!!!! الحقيقة أن هذا الكلام لا يستقيم إلا في حالة
واحدة، أن يكون يهوذا هنا ليس يهوذا الاسخريوطي بل هو
شخص إلهي ملكوتي جاء في زمن وجيل عيسى وهو ليس زمانه
وجيله، بل جاء لأداء مهمة ويعود من حيث جاء.

«و هنگامی که آن را شنید یهوذا به او گفت: من چه خیری را حاصل
کردم؟ چرا که تو کسی هستی که مرا از آن نسل دور ساختی»: یعنی همان
نسلی که یهوذا اسخريوطی از آن دور شده بود؟!
واقعیت آن است که این سخن فقط در یک صورت سخنی درست خواهد
بود؛ اینکه این یهوذا، همان یهودای اسخريوطی نباشد، بلکه شخصیتی الهی
باشد که در زمان و نسل عیسی آمده یعنی زمانی که زمان و نسل او
نمی باشد؛ حتی برای انجام وظیفه‌ای آمده و به همان جایی که آمده، بازگردد.

وأيضاً: جاء بسبب دعاء عيسى ع أن يدفع عنه الصلب، لهذا
صح أن يقول لعيسى ع «لأنك أنت الذي أبعدتني عن ذلك
الجيل».

همچنین به دنبال دعای عیسی ع که به صلیب کشده شدن از او دور شود،
آمده است. به این ترتیب این سخن او که به عیسی ع می گوید: «چرا که تو
کسی هستی که مرا از آن نسل دور ساختی» درست و صحیح می باشد.

إذن، يهوذا المذكور في بعض نصوص إنجيل يهوذا كالنص
المتقدم ليس يهوذا الاسخريوطي الذي خان عيسى وسلمه لعلماء
اليهود كما في نهاية إنجيل يهوذا: «واقتربوا من يهوذا وقالوا له:
ماذا تفعل هنا ؟ أنت تلميذ يسوع، فأجابهم يهوذا كما أرادوا منه
واستلم بعض المال وأسلمه لهم» إنجيل يهوذا - المشهد الثالث.

بنابراین یهودای گفته شده در برخی متون انجیل یهوذا مانند متنی که
پیش تر ارائه شد، همان یهودای اسخريوطی که به عیسی خیانت کرد و
همان طور که در پایان انجیل یهوذا آمده، او را به علمای یهود تسلیم نمود،

نمی‌باشد: «به یهودا نزدیک شدند و به او گفتند: اینجا چه می‌کنی؟ تو شاگرد یسوع هستی. پس یهودا همان‌طور که از او خواستند، پاسخشان را داد و اموالی (مبلغی) دریافت کرد و او را تسلیم‌شان نمود» (۱۴).

بل یهوذا هذا كما وصفه إنجيل يهوذا إنسان صالح ومن خلفاء الله في أرضه، بل ويكون بعض ذريته خلفاء الله في أرضه. وأيضاً: هو لم يكن من جيل عيسى ولا من زمانه، أي أنه نزل من الملكوت في وقت عيسى. وإضافة إلى كل هذا، فإن النص يقول إن يهوذا هذا هو الذي سيملاً الأرض عدلاً ويسود في آخر الزمان.

بلکه این یهودا همان‌طور که انجیل یهودا توصیفش می‌کند، انسانی صالح و حتی از جانشینان خداوند در زمینش است و برخی از فرزندان نیز جانشینان خداوند در زمینش هستند. همچنین او از نسل عیسی و از زمان عیسی، نیست؛ به این معنی که او در زمان عیسی از ملکوت فرود آمده است. علاوه بر همه‌ی اینها، متن بیان می‌کند این یهودا، همان کسی است که زمین را از عدل و داد پر خواهد ساخت و در آخرالزمان سروری خواهد کرد.

الآن، كل هذه الصفات التي جاءت ليهوذا الذي صُلب بدلاً من عيسى تنطبق على المنقذ الذي يأتي في آخر الزمان، فإذا سألنا أخيراً عن معنى كلمة (يهوذا) لنرى مَنْ يكون هذا الشخص؟ نجد أن كلمة يهوذا بالعربية تعني الحمد أو أحمد، وهذا المعنى تؤكدته التوراة حيث جاء في التوراة: سفر التكوين - الأصحاح التاسع والعشرون «35 وحبلت أيضاً وولدت ابناً وقالت هذه المرة أحمد الرب. لذلك دعت اسمه يهوذا. ثم توقفت عن الولادة».

اکنون تمام این ویژگی‌هایی که برای یهودایی که به جای عیسی به صلیب کشیده شد، آمده است، بر نجات‌دهنده‌ای که در آخرالزمان می‌آید، منطبق می‌باشد. پس اگر در نهایت ما از معنی کلمه‌ی یهودا سؤال کنیم، این شخصیت را چه کسی خواهیم دید؟ خواهیم دید که کلمه‌ی یهودا در زبان عربی به معنی «ستایش» یا «ستایش کرد» (الحمد، أحمد) می‌باشد و بر این معنی در تورات تأکید شده، آنجا که در تورات سفر پیدایش اصحاح بیست و

نهم آمده است: «۳۵ و بار دیگر حامله شده، پسری زایید و گفت: این مرتبه پروردگار را حمد می‌گویم. پس او را یهودا نام نهاد. سپس از زاییدن بازایستاد».

إذن، يهوذا تعني أحمد وهو اسم المهدي أو المنقذ أو المعزي الموعود به في آخر الزمان، المذكور في التوراة والإنجيل والقرآن ووصية رسول الله محمد ﷺ.

بنابراین یهودا یعنی «ستایش گفت» (أحمد)؛ و این، اسم مهدی، رهایی‌بخش یا تسلی‌دهنده‌ای است که در آخر الزمان وعده‌اش داده شده و در تورات، انجیل، قرآن و وصیت رسول خدا حضرت محمد ﷺ ذکر شده است.

وأيضاً، في التوراة والإنجيل: المصلوب وصفت مواقفه وروي عنه كلام بعد إلقاء القبض عليه تدل على أنه شخص حكيم وراض تمام الرضا بما يجري له، وأنه غير يهوذا الاسخريوطي حيث إن يهوذا الاسخريوطي شخص استحوذ عليه الشيطان فلا تصدر منه الحكمة، ولا يمكن أن يكون هادئاً ورابط الجأش وهو يساق ليصلب بدلاً عن عيسى ع الذي كفر به.

همچنین در تورات و انجیل کسی که به صلیب کشیده شده است موافق با چنین چیزی توصیف شده و پس از دستگیر شدنش سخنی از او روایت می‌شود که نشان می‌دهد او شخصی حکیم است و با تمام وجود به آنچه بر او رفته، راضی می‌باشد و اینکه او غیر از یهودا اسخریوطی است. یهودا اسخریوطی شخصیتی است که شیطان بر او سیطره یافته است؛ از چنین شخصیتی حکمتی بیرون نمی‌تراود و امکان ندارد در آرامش و به دور از ترس و اندوه باشد در حالی که به جای عیسایی ع که نسبت به او کفر ورزیده، به صلیب کشیده می‌شود!

في التوراة - سفر إشعيا، وفي أعمال الرسل - الأصحاح الثامن هذا النص: «... مثل شاة سيق إلى الذبح، ومثل خروف صامت أمام الذي يجزره هكذا لم يفتح فاه...».

در تورات سفر اشعیا و در اعمال رسولان اصحاب هشتم چنین متنی دیده می‌شود: «... همانند بره‌ای به سوی قربان‌گاه و همانند گوسفندی ساکت و آرام در حضور کسی که ذبحش می‌کند، اینگونه دهانش را نمی‌گشاید...».

وإضافة إلى أنّ النص كما هو الواقع الذي حصل يدل على أنه ذهب بكل هدوء ورباطة جأش إلى العذاب والصلب، فهناك أمر آخر يدل عليه النص وهو أنه لم يتكلم ولم يتظلم ولم يُبين حقه وأنه رسول، في حين أنّ عيسى ع بكت العلماء والناس، ووعظهم وبين حقه فلا يصدق عليه أنه ذهب إلى الذبح صامتاً.

به علاوه این متن همان طور که در واقعیت نیز اتفاق افتاده- بیان می‌کند که او در کمال آرامش و اطمینان خاطر به سوی عذاب و به صلیب کشیده شدن می‌رود. بنابراین در اینجا مورد دیگری که این متن به آن هدایت می‌کند وجود دارد: اینکه او هیچ صحبت و دادخواهی نمی‌کند و حقش و اینکه او فرستاده است را ابراز نمی‌کند در حالی که عیسی ع برای علما و مردم دلیل می‌آورد و حقش را بیان می‌نمود؛ بنابراین اینکه او در سکوت به سوی ذبح شدن پیش رود، بر عیسی صدق نمی‌کند.

وفي الإنجيل: المصلوب يُبشِّرُ أحد اللذين صُلبا معه بأنه سيذهب للفردوس لأنه دافع عنه، فهل يمكن مع هذه الحكمة وهذا التبشِير من المصلوب أن يكون هو يهوذا الاسخريوطي؟! وبما يُبشِّر يهوذا الاسخريوطي لو كان قد بدل الله شكله وسيق إلى الصلب بدلاً عن عيسى الذي كفر به، أليس لو كانت هذه حاله فهو يعلم يقيناً أنه ظالم وسيعاقب، فأَي فردوس يُبشِّر بها من يدافع عنه؟!

در انجیل شخص به صلیب کشیده شده، به یکی از کسانی که با او به صلیب کشیده می‌شود بشارت می‌دهد که او به بهشت خواهد رفت چرا که از او دفاع کرده است. حال، آیا ممکن است با چنین حکمت و چنین بشارت داندنی از سوی به صلیب کشیده شده، این شخص همان یهوذا اسخريوطی باشد؟! یهوذا اسخريوطی به چه بشارت می‌دهد، اگر خداوند شکل او را تغییر داده و به جای عیسی که کافر شده، به سوی صلیب کشیده بشود؟! اگر وضعیت او اینگونه است، آیا او خود نمی‌داند که به یقین ستم‌کار است و

عقوبت خواهد شد؛ پس او کسی که از او دفاع کرده است را به کدامین فردوس بشارت می‌دهد؟!

«وكان واحد من المذنبين المعلقين يجدف عليه قائلاً إن كنت أنت المسيح فخلص نفسك وإيانا. 40 فأجاب الآخر وانتهره قائلاً أولاً أنت تخاف الله إذ أنت تحت هذا الحكم بعينه. 41 أما نحن فبعدل لأننا ننال استحقاق ما فعلنا. وأما هذا فلم يفعل شيئاً ليس في محله. 42 ثم قال ليسوع اذكرني يا رب متى جئت في ملكوتك. 43 فقال له يسوع الحق أقول لك إنك اليوم تكون معي في الفردوس» إنجيل لوقا: 23.

«و یکی از آن دو خطاکار مصلوب بر وی کفر گفت که اگر تو مسیح هستی خود و ما را برهان! ۴۰ پس دیگری پاسخ داد، او را نهیب زد و گفت: مگر تو از خدا نمی‌ترسی؟ چون تو نیز زیر همین حکم هستی. ۴۱ اما ما به انصاف، چرا که جزای اعمال خود را یافته‌ایم، لیکن این شخص هیچ کار بی‌جا نکرده است! ۴۲ پس به عیسی گفت: ای پروردگار، مرا به یاد آور هنگامی که به ملکوت خود درآیی. ۴۳ عیسی به وی گفت: هر آینه به تو می‌گویم امروز تو با من در فردوس خواهی بود.» (۱۵)

وفي إنجيل لوقا أيضاً:

«33 وَلَمَّا مَضَوْا بِهِ إِلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي يُدْعَى جُمُجْمَةَ صَلْبُوهُ هُنَاكَ مَعَ الْمَذْنُبِينَ، وَاحِداً عَنِ يَمِينِهِ وَالْآخَرَ عَنِ يَسَارِهِ. 34 فَقَالَ يَسُوعُ: يَا أَبَتَاهُ، اغْفِرْ لَهُمْ، لِأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ مَاذَا يَفْعَلُونَ» إنجيل لوقا: 23.

و همچنین در انجیل لوقا: «۳۳ و چون به موضعی که آن را کاسه‌ی سر می‌گویند رسیدند، او را در آنجا با آن دو خطاکار، یکی بر طرف راست و دیگری بر چپش مصلوب کردند. ۳۴ عیسی گفت: ای پدر، اینها را بیامرز،

زیرا نمی‌دانند چه می‌کنند» (۱۶)

لا يمكن أن يصدر ما تقدم وما روي من الحكمة والمواقف الرصينة الثابتة للمصلوب وفي أصعب الظروف من سفيه أو شيطاني كافر والعياذ بالله كيهودا الاسخريوطي كما يحلو لبعضهم تصوير الشبيه على أنه يهودا الاسخريوطي، هكذا بدون أي دليل فقط ليضعوا شبيهاً لعيسى صُلب مكانه (17).

آنچه تقدیم شد و آنچه روایت شد غیرممکن است از سر حکمت و خردمندی نامتناقض از سوی شخص مصلوب باشد در حالی که او در پست‌ترین ظرفیت‌های سفاهت و کم‌خردی قرار داشته یا پناه بر خدا شیطانی کافر همچون یهودا اسخريوطی بوده باشد؛ آن گونه که بعضی از آنها مشکل را اینگونه گره‌گشایی کرده‌اند که او، یهودای اسخريوطی است؛ همین‌طوری بی هیچ دلیلی، فقط برای اینکه او را شبیه عیسی که به جایش به صلیب

۱۶- انجيل لوقا: ۲۳.

17. وللمثال أنقل نصين، الأول: ليدر الدين العيني إذ يقول في بيان "وما قتلوه وما صلبوه لكن شبه لهم!": (.. وذلك أنهم لما نصبوا له خشبة ليصلبوا عليها، ألقى الله تعالى شبه عيسى على الذي دلهم عليه، واسمه: يهودا، وصلبوه مكانه، وهم يظنون أنه عيسى، ورفع الله عيسى إلى السماء ..) عمدة القاري في شرح صحيح البخاري: ج 12 ص 35. الثاني: للمفسر الشيعي ناصر مكارم الشيرازي، إذ يقول: (يستنتج من نصوص جميع الأناجيل أن المقبوض عليه قد اختار الصمت أمام "بيلاطيس" الحاكم الرومي لبيت المقدس - آنذاك - ولم يتفوه إلا بالقليل دفاعاً عن نفسه ويستبعد كثيراً أن يقع عيسى المسيح في خطر كهذا ولا يدافع عن نفسه بما يستحقه الدفاع عن النفس، وهو المعروف بالفصاحة والبلاغة والشجاعة والشهامة. ألا يحتمل في هذا المجال أن يكون شخص آخر - كـ "يهودا الأسخريوطي" الذي خان ووشى بعيسى المسيح وكان يشبهه كثيراً - قد وقع هو بدل المسيح في الأسر وأنه لهول الموقف قد استولى عليه الخوف والرعب، فعجز عن الدفاع عن نفسه أو التحدث أمام الجلادين بشيء..) تفسير الأمثل: ج 3 ص 529. ويجب مركز الأبحاث العقائدية التابع للسيستاني عن الشبيه فيقول: (.. من المسلم به أن إلقاء القبض على المسيح حصل نتيجة خيانة أحد الحواريين وهو يهودا الاسخريوطي والقرآن الكريم يثبت أن المسيح الذي ألقى القبض عليه ثم صلب شبه لهم، أي أن الله تعالى عاقب يهودا الخائن وشبهه بالمسيح وصلب هو بدلاً عن المسيح: "وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ" النساء: 157. وبذلك يتضح الغموض الإنجيلي والتناقض العجيب في بيان كيفية نهاية يهودا حيث اختلفت الأناجيل في توبته وندمه وعدم ذلك، وكذلك اختلفوا في كيفية موته بل حتى في موته أصلاً، فلنا الحق أن نقول خائن مثل يهودا كيف تغافل عنه المسيحيون آنئذٍ ولو بعد حين كيف تركوه وتركوا أخباره وتركوا معرفة مصيره الذي ينبغي الاهتمام به وجزائه وخزيه في الدنيا ليزداد الناس إيماناً واطمئناناً؟).

مركز الأبحاث العقائدية التابع للسيستاني <http://www.aqaed.com/faq/2052>

کشیده شد، قرار دهند! (۱۸)

وإضافة إلى كل ما تقدم، يجب الالتفات إلى أن يهوذا الاسخريوطي جاء ودل الشرطة الدينية على المصلوب وألقوا القبض على الشبيه المصلوب، فكيف يكون يهوذا الاسخريوطي جاء مع الشرطة ودلهم على الشبيه وهو نفسه الشبيه، هل يهوذا الاسخريوطي شخصان مثلاً؟

علاوه بر آنچه تقدیم شد، باید توجه داشت که یهودای اسخریوطی می‌آید و پلیس‌های دینی را به سوی شخص مصلوب هدایت می‌کند و باعث دستگیر شدن شبیه به صلیب کشیده شده می‌شود؛ حال چگونه ممکن است یهوذا اسخریوطی به همراه پلیس‌ها بیاید و آنها را به سوی شبیه عیسی هدایت کند در حالی که خودش همان شخص شبیه باشد؟! آیا مثلاً یهوذا اسخریوطی دو شخصیت دارد؟!

المفروض أن تكون الأطروحات أكثر تعقلاً، ولا تكون بهذا المستوى من السذاجة والتناقض، فكيف لشخص أن يعقل موقفاً يقف فيه يهوذا الاسخريوطي وهو مع الشرطة ويدلهم على الشبيه، وهو نفسه الشبيه؟ فهو موجود في نفس المكان بشخصين

۱۸- برای مثال، دو متن را ذکر می‌کنم: اول: بدر الدین عینی آنجا که در بیان (و حال آنکه آنان مسیح را نکشتند و بر دارش نکردند بلکه امر بر ایشان مشتبه شد) می‌گوید: «... و این از آن جهت بود که وقتی آنان چوبه‌ی داری قرار دادند تا او را بر آن به صلیب بکشند، خداوند متعال شباهت عیسی را بر کسی که آنان را به سوی او راهنمایی کرد، افکند. نام این شخص یهوذا بود و به جای او به صلیب رفت در حالی که آنان گمان می‌کردند که او عیسی است؛ و خداوند، عیسی را به سوی آسمان بالا برد...» (عمدة القاری در شرح صحیح بخاری: ج ۱۲ ص ۳۵). دوم: مفسر شیعی، ناصر مکارم شیرازی؛ آنجا که می‌گوید: «از متون مهمی انجیل‌ها، این نتیجه به دست می‌آید کسی که دستگیر شد، در حضور «پیلاتس» حاکم رومی بیت المقدس در آن زمان سکوت را برگزید و دهان به سخن نگشود مگر اندکی برای دفاع از خودش؛ و این بسیار دور از ذهن است که عیسی مسیح در چنین موقعیت خطری واقع شود، ولی به آن گونه‌ای که باید از خود دفاع کند، از خودش دفاع نکرده باشد؛ درحالی که او به فصاحت، بلاغت، شجاعت و شهادت معروف است. آیا این احتمال وجود ندارد که در این عرصه، شخص دیگری وجود داشته باشد؟ مانند «یهودای اسخریوطی» که خیانت و از عیسی مسیح بدگویی نمود و بسیار به او شبیه بود. در هنگام دستگیر شدن بدل مسیح بر او افتاد و از ترس این موقعیت، ترس و رعب بر او چیره شد؛ در نتیجه از دفاع از خودش یا اینکه در حضور جلادان سخنی بگوید، ناتوان گردید...» (تفسیر نمونه: ج ۳ ص ۵۲۹).

مرکز تحقیقات عقیدتی زیر نظر سیستمی درباره‌ی شبیه پاسخ داده، می‌گوید: «... این پذیرفته شده است که دستگیر شدن مسیح در اثر خیانت یکی از حواریون که یهودای اسخریوطی بود، صورت پذیرفت؛ و قرآن کریم ثابت می‌کند مسیحی که دستگیر شد و به صلیب رفت، بر ایشان مشتبه شد؛ یعنی خداوند متعال یهودای خائن را عقوبت کرد، او را به مسیح شبیه کرد، و او به جای مسیح به صلیب رفت: (و حال آنکه آنان مسیح را نکشتند و بر دارش نکردند بلکه امر بر ایشان مشتبه شد) (نسا: ۱۵۷). به این ترتیب ابهام انجیل و تناقض عجیبی که در بیان چگونگی عاقبت یهوذا وجود دارد، روشن می‌شود؛ آنجا که انجیل‌ها در توبه و پشیمان شدن او، و اینکه چنین اتفاقی رخ نداد، اختلاف دارند. همچنین در چگونگی مردنش و حتی در اینکه او مرده باشد، اختلاف دارند. ما حق داریم بگوییم که چگونه مسیحیان در آن زمان از خائنی چون یهوذا غافل شدند؛ هر چند پس از مدتی! چگونه او را رها کردند، اخبارش را ترک گفتند و شناخت آخر و عاقبتش را رها کردند؟! شناختی که باید به آن توجه شود و (همچنین) جزا و پستی و حقارت او در این دنیا؛ تا به این ترتیب ایمان و اطمینان مردم افزایش یابد.» (مرکز تحقیقات عقیدتی زیر نظر سیستمی <http://www.aqaed.cpm/faq/2052>).

وصورتين، وبحالتين متناقضتين تماماً!! ما هذا المستوى من
الطرح، وأعجب كيف يقبله بعضهم وهو بهذا المستوى من
التناقض!!

طرح‌های ارایه شده باید از عقلانیت بیش‌تری برخوردار باشند و در چنین
سطحی از سادگی و تناقض‌گویی قرار نگیرد. چگونه به نظر کسی که با چنین
دیدگاهی در مورد یهودا اسخریوطی موافق است یعنی او همراه پلیس‌ها
می‌باشد و آنها را به سوی شخص شبیه راهنمایی می‌کند و در عین حال
خودش همان شخص شبیه می‌باشد، این دیدگاه عقلانی به نظر می‌رسد که او
در یک مکان با دو شخصیت، دو صورت و دو حالت به طور کامل متناقض
وجود داشته باشد؟! این چه طرح و ایده‌ای است؟! و تعجب می‌کنم که چطور
برخی از ایشان چنین دیدگاهی که در چنین سطحی از تناقضات قرار دارد را
می‌پذیرند!

إضافة إلى أن ما تقدم ينفي ما يقوله بعض المسلمين (بدون
دليل) من أن المصلوب يهوذا الاسخريوطي، فإنه يوجد روايات
بيّنت أن الشبيه المصلوب شاب صالح شُبّه بصورة عيسى، بل
وروي عن النبي أنه من ذرية علي ع بالخصوص (19).

علاوه بر آنچه ارایه شد، آنچه برخی از مسلمانان می‌گویند، اینکه (بدون
هیچ دلیلی) مصلوب همان یهودا اسخریوطی است را رد می‌کند؛ روایاتی وجود
دارد که بیان می‌کند شبیه به صلیب کشیده شده، جوانی صالح و نیکوکار به
صورت عیسی بوده است و حتی از پیامبر روایت شده است که او به طور
خاص از فرزندان امام علی ع می‌باشد.

النتيجة مما تقدم:

نتیجہ‌ی آنچه آراءه شد:

إنّ في التوراة والأنجيل التي يعترف بها المسيحيون نصوصاً
تدل على أن عيسى لم يصلب، وإن لم يكن كل من هذه النصوص

كافٍ بمفرده فهي بمجموعها تمثل دليلاً على أنّ المصلوب غير عيسى ع.

در تورات و انجیلی که مورد قبول مسیحیان است متونی وجود دارد که بیان می‌کنند عیسی به صلیب کشیده نشد و اگر هر یک از این متون به تنهایی کفایت نکند، مجموعه‌ی آنها به مثابه دلیلی می‌باشد که شخص به صلیب کشیده شده، عیسی ع نمی‌باشد؛

فعیسی یطلب من الله أن لا یصلب.

اینکه عیسی از خداوند می‌خواهد که به صلیب کشیده نشود.

والمصلوب یرفض أن یقول بلسانه إنه ملك بني إسرائيل مع أنّ عیسی ملك بني إسرائيل.

به صلیب کشیده شده نمی‌پذیرد با زبانش اقرار کند که او پادشاه بنی اسرائیل است با اینکه عیسی پادشاه بنی اسرائیل بود.

والمصلوب یخاطب مریم أم عیسی ع (یا امرأة).

مصلوب، مریم -مادر عیسی ع- را با عبارت «ای زن» خطاب قرار می‌دهد.

وبطرس یعرض أن یضع نفسه مكان عیسی، أي یطلب أن یكون هو الشبيه «قال له بطرس یا سید لماذا لا أقدر أن أتبعك الآن. إني أضع نفسي عنك»، وعیسی یرفض؛ لأنه یعلم أنّ بطرس عاجز عن هذا الأمر ویعطیه أمانة عجزه أنه سیتبرأ من المصلوب ثلاث مرات، وهي أكید براءة من عیسی ع.

پطرس خودش را به عنوان جایگزین عیسی داوطلب می‌کند؛ یعنی اینکه او همان شخص شبیه باشد «پطرس به او گفت: ای آقای من، اکنون چرا من نمی‌توانم از پی تو بیایم؟» و عیسی نمی‌پذیرد چرا که او می‌داند پطرس توانایی چنین وظیفه‌ای را ندارد و به ناتوانی‌اش چنین اشاره می‌نماید: که او سه مرتبه از به صلیب کشیده شده، برائت خواهد جست، و این اکیداً برائت از

عیسی ع می باشد.

وبمقارنة كلام عيسى ع قبل أن يأتي الجنود ويلقوا القبض على المصلوب مع كلام المصلوب أثناء إلقاء القبض عليه، نعرف أنهما شخصان مختلفان تماماً، فهما يقفان موقفان مختلفان أزاء القبول بالصلب، فالشخص الذي يقول «الكاس التي أعطاني الآب ألا اشربها» لا يمكن أن يكون هو نفسه من قال قبل ساعات «يا أبا الآب كل شيء مستطاع لك فاجز عني هذه الكأس».

با مقایسه ی سخن عیسی ع پیش آمدن سربازان و دستگیر کردن به صلیب کشیده شده با سخن مصلوب هنگام دستگیر شدنش، متوجه می شویم که آنها دو شخصیت کاملاً متفاوت می باشند و آنها در برابر پذیرفتن به صلیب کشیده شدن، دو برخورد مختلف را اتخاذ می کنند. آن که می گوید «آیا جامی که پروردگار به من می دهد را نوشم؟!...» نمی تواند همان کسی باشد که ساعاتی پیش گفته بود: «ای پدر پدران، هر چیزی برای تو امکان پذیر است. این پیاله را از من بگذران».

ومن إنجيل يهوذا:

و از انجيل يهوذا:

المصلوب ليس عيسى نفسه بل شبيهة شُبّه بعيسى ع.

مصلوب خود عیسی نیست بلکه شبیه مشتبه شده به عیسی ع است.

المصلوب وُصِف بأنه الثالث عشر.

مصلوب اینگونه توصیف می شود که او سیزدهمین است.

المصلوب وُصِف بأنه سيأتي في آخر الزمان ليسود.

مصلوب این‌گونه توصیف می‌شود که در آخرالزمان خواهد آمد تا سروری کند.

المصلوب اسمه يهوذا (أحمد كما تبين)، ولكن ليس يهوذا الاسخريوطي.

اسم مصلوب يهوذا (همان‌طور که گفته شد به معنی احمد) می‌باشد و يهوذا اسخريوطی نیست.

المصلوب نزل من الملكوت وليس من جيل عيسى ع.

مصلوب از ملکوت فرود آمده است و از قوم عیسی ع نمی‌باشد.

المصلوب له ذرية وهم خلفاء لله في أرضه.

مصلوب فرزندی دارد که خلفا و جانشینان خدا در زمینش می‌باشند.

أيضاً: في التوراة والإنجيل وإنجيل يهوذا نصوص واضحة تبين أن المصلوب لا يمكن أن يكون يهوذا الاسخريوطي، وفيها رد على من يقول إن المصلوب يهوذا الاسخريوطي.

همچنین در تورات، انجیل و انجیل یهوذا متون واضحی وجود دارد که بیان می‌دارند که به صلیب کشیده شده نمی‌تواند یهوذا اسخريوطی باشد و در آنها پاسخی برای کسی که می‌گوید مصلوب همان یهوذا اسخريوطی است، وجود دارد.